

کشتار بی رحمانه مردم عراق، اهداف و نتایج!

علی رغم مخالفت های وسیع و گسترده میلیون ها تن از مردم سراسرجهان با جنگ و به رغم مخالفت روسیه، چین، فرانسه، آلمان و برخی دیگر از کشورها با حمله نظامی به عراق، بلوک امپریالیستی آمریکا - انگلیس، پس از مقدمه چینی و تامین تدارکات کافی، سرانجام روز پنجشنبه ۲۹ اسفند ۸۱، با شلیک موشک های کروز و پرتاب بمب های هدایت شونده به سوی شهرهای عراق، جنگ تجاوزکارانه امپریالیستی رابه رهبری آمریکا آغاز نمود.

هیچ جنگی تاکنون قبل از آغاز تابدین درجه و در این ابعاد، با مخالفت اقشار مختلف مردم در مقیاس جهانی روبرو نبوده است. دهن کجی آشکار بوش و بلر، این نمایندگان تیپیک سرمایه امپریالیستی به افکار عمومی جهانی وحتا زیرپا گذاشتن نرمها و موازین بین المللی که خود وانمود می کردند به آن باوردارند، یکباردیگر چهره واقعی و خوی وخصلت امپریالیسم مبنی بر جنگ افروزی، سلطه جویی، تجاوز گری و برتری طلبی را در برابر چشم جهانیان به نمایش گذاشت و باردیگر بر توحش و بربریت نظام سرمایه داری مهرتأیید زد. این جنگ تجاوز کارانه و امپریالیستی پس از آغاز، اکنون ۱۲ روز است که علی رغم تداوم اعتراضات و مخالفت میلیونی در پنج قاره جهان با آن و برای توقف آن، همچنان سبعمانه ادامه دارد. استراتژی و عملیاتی که آمریکا آن را "شوک و وحشت" (Shock and Awe) نامید، با استفاده از تجهیزات جنگی جدید و سلاح های مدرن امپریالیستی، با بی رحمی توصیفناپذیری دارد پیاده و اجرا می شود. علاوه بر شلیک روزانه صدها موشک هدایت شونده کروز تام هاوک از ناوهای آمریکایی مستقر در دریای سرخ و خلیج فارس به شهر های عراق، روزانه صدها هواپیمای جنگی از جمله جنگنده های تهاجمی FA_18، F_15، F_16، جنگنده بمب افکن های بی صدا و ضد رادار F_117، جت های تهاجمی GR7 واریر، و ارتوگ های A10، جنگنده های تورنادوی انگلیسی، هواپیماهای تهاجمی تاندربولت، بمب افکن های B_52، بمب افکن های دوربرد B_1 و بمب افکن های ضد رادار B_2، از دهها پایگاه هوایی، برفراز بغداد و سایر شهر های عراق به پرواز درمی آیند و هزاران بمب هدایت شونده لیزری، بمب های خوشه ای،

این، یک جنگ امپریالیستی، توسعه طلبانه، تجاوزکارانه، راهزانه و ارتجاعی است

جنگ امپریالیست ها در عراق

که مردم شهرهای عراق در پی آغاز این جنگ به خیابان ها آمده وبا دسته های گل به پیشواز "نیروهای آزادی خواه" یعنی سربازان و نظامیان ائتلاف امپریالیستی بروند. اما از همان اولین دقایق آغاز این جنگ مشخص شد که مردم شهرهای جنوبی عراق این نیروها را بیش از آن که نجات دهنده خود بدانند، اشغالگر شهرهای ویران خود دانسته و این احساس خودرانی ربه روشنی نشان دادند. توده های ستمدیده مردم عراق که در طول ۱۲ سال تحریم اقتصادی به عمق فقر و فلاکتی بی سابقه پرتاب شده اند ورود نیروهای نظامی امپریالیست ها را با بی تفاوتی نظاره کرده واز همان آغاز نشان دادند که این نیروها نیز تفاوت زیادی با ستمگران حاکم بر این کشور ندارند. علاوه بر این مقاومت رو به افزایش نیروهای نظامی و شبه نظامی رژیم عراق نیز از دیگر عواملی بود که خواب و خیال امپریالیست ها را برهم زد. آنان را به سرعت از رویای تصرف سریع عراق و سرنگونی ضربتی رژیم این کشور در آورد و با کابوس جنگی طولانی مدت و پرخرج مواجه نمود. به ویژه این که بر خلاف تبلیغات امپریالیست های آمریکایی در مورد تعداد کشورهای شرکت کننده در ائتلاف جنگ علیه عراق، این باردیگر خبری از پرداخت هزینه این جنگ نظیر سال ۱۹۹۱ که ارتش عراق توسط نیروهای نظامی امپریالیست ها از خاک کویت بیرون رانده شد، توسط این کشور

صفحه ۷

گسترش اعتراضات علیه جنگ و تشدید سرکوب این مبارزات

با آغاز دومین هفته از شروع تجاوز نظامی امپریالیستی، اعتراضات علیه آن روزبه روز اوج می گیرد. در اقصا نقاط جهان میلیون ها نفر با تظاهرات و راهپیمایی مخالفت خود را با وحشی گری نظامی امپریالیسم آمریکا و انگلیس به نمایش می گذارند.

با این گه این اعتراضات در اکثر کشورها هر روزه تداوم دارد، اما اوج این مخالفت ها در روز های آخر هفته نمودار می شود. روزهای ۲۹ و ۳۰ مارس میلیون ها نفر به کارزار جهانی علیه جنگ پیوستند. در رباط- مراکش بیش از یک میلیون نفر ضمن راهپیمایی، امپریالیسم آمریکا را به خاطر تجاوز نظامی محکوم نمودند. در پاکستان صدها هزار نفر در

صفحه ۶

در اولین ساعات بامداد روز ۲۰ مارس، جرج دبلیو بوش، رئیس جمهور آمریکا فرمان حمله به عراق را صادر کرد. بلافاصله کشتی های جنگی آمریکا که هفته ها بود در آبهای خلیج فارس به انتظار این فرمان بودند، باران موشک را بر سر مردم بی دفاع عراق آغاز نمودند. در مدت کمتر از ۲ ساعت، بیش از ۴۰ موشک هاوک نقاط مختلف شهر بغداد را به آتش و ویرانی کشید. سرانجام پس از هفته ها جنگ روانی و کشمکش میان کشورهای امپریالیستی بر سر آغاز و یا عدم آغاز این جنگ، این جنگ ویرانگر و جنایت کارانه علیه مردم عراق و برای تسلط به منابع نفتی این کشور، اما بهانه برقراری دمکراسی و سرنگونی صدام حسین به سرکردگی امپریالیسم آمریکا آغاز شد. همزمان با موشک باران مردم بی دفاع عراق و نابودی و ویرانی شهرهای مختلف این کشور، سیل اخبار دروغ و کنترل شده توسط امپریالیست ها نیز آغاز شد. میلیون ها نفر در سراسر جهان شاهد پخش اخبار دروغ و مغرضانه از سوی ستاد نیرو های امپریالیستی شدند که در مصاحبه های مطبوعاتی متعدد در مقابل دوربین هزاران خبرنگار حاضر شده و تلاش نمودند که تمام اخبار جنگ رابه نفع خود جلوه دهند. به گفته اینان نیروهای نظامی "ائتلاف" امپریالیست ها به سرعت شهرهای جنوبی عراق را یکی پس از دیگری به تصرف در آورده و چیزی نگذشت که صحبت از نبرد نهایی، یعنی جنگ بر سر سر نوشت شهر بغداد و در واقع سر نوشت رژیم عراق به میان آمد.

اما مدت زیادی لازم نبود تا عمق فریبکاری و دروغ گویی دستگاه های تبلیغاتی امپریالیستی بر افکار عمومی جهان آشکار شود. بر طبق سناریوی امپریالیست ها، قرار بود

«چپ کارگری» و مسئله ۴ بهمن

صفحه ۵

در این شماره

چرا شوراها

۸

اخباری از ایران

۴

اخبار کارگری جهان

۴

صفحه ۲



از صفحه ۱

کشتار بی رحمانه مردم عراق،

اهداف و نتایج!

بمب های تازه ساز با اثرات تخریبی بسیار بالا و بمب های ۲۰۰۰ پوندی هدایت شونده را بر سر مردم بی دفاع عراق فرو می ریزند و همزمان با این تهاجمات مرگبار هوایی، توپخانه لشکر سوم پیاده نظام آمریکا، شهربانی جنوبی عراق را توپ باران می کند و هلی کوپترهای توپ دار به اهداف زمینی شلیک می کنند تا ضمن تخریب و کشتار، راه را برای پیشروی سربازان مهاجم بگشایند. خبرگزاری CNN و سایر خبرگزاری های امپریالیستی دایما از فتوحات راهزنان آمریکایی - انگلیسی گزارش می دهند. تصاویر آن را به جهانیان نشان می دهند و با بی شرمی تمام از استادی ارتش مهاجمین در انهدام و تخریب و کشتار سخن می گویند و هر روزه دهها انفجار بزرگ و ستون هایی از دود غلیظ که از فرسنگ ها فاصله قابل رویت است و حاکی از سنگینی بمباران و موشک باران شهرهاست نمایش می دهند. بوش، بلر، رامسفلد، کالین پاول و سایر سرکردگان ارتش متجاوز و اشغالگر، از این اقدامات با افتخار یاد می کنند. جف هون وزیر دفاع انگلیس در مورد بمباران های سنگین پایتخت عراق می گوید: "شب گذشته تمام وقت بغداد را درهم کوبیدیم!"

علی رغم ممانعت ارتش آمریکا از ورود خبر نگاران و خبرنگارهایی مستقل خارجی و پخش انحصاری خبرها و اطلاعات کنترل شده به قصد گمراهی افکار عمومی جهان و پوشاندن جنایات خویش، معهدا پاره ای از گزارشات که توسط شبکه خبری الجزیره تهیه و پخش گردید، از ابعاد بسیار وسیع جنایات متجاوزین پرده برداشت. فقط در جریان اصابت موشک به بازار الناصر واقع در شرق بغداد، ۵۵ نفر کشته و بیش از ۵۰ نفر زخمی شدند که شمار زیادی از آنان را کودکان و زنان تشکیل می دهند. گزارشات حاکی از آن است که در جریان یورش - های ارتش مهاجمین فقط در ۶ روز اول صدها نفر (بیش از ۶۰۰ نفر) از مردم عادی و غیر نظامی کشته و هزاران نفر (۳۶۵۰ نفر) زخمی شده اند و صدها خانه مسکونی در بغداد، ام القصر، بصره، ناصریه، نجف، کربلا، کرکوک، موصل و سایر شهرهای عراق با خاک یکسان شده است. بازارها، اماکن عمومی، خیابان ها و سایر تاسیسات تخریب و منهدم شده است. هزاران نفر آواره و سرگردان شده اند. بمباران و موشک باران راهزنان آمریکایی - انگلیسی، در برخی شهرها به قطع برق و اختلال در سیستم آب رسانی منجر شده است و میلیون ها تن از مردم عراق را با مشکلات عدیده ای روبرو ساخته است. برای نمونه در بصره، مردم مجبور شده اند از آب رودخانه ای که به عنوان فاضل آب نیز استفاده می شود، آب ذخیره و استفاده کنند که این موضوع سبب شیوع انواع بیماریها می شود. در همین رابطه یونسف چنین هشدار داده است، که ۱۰۰ هزار کودک زیر ۵ سال در معرض ابتلا به این امراض قرار دارند. ۷ روز پس از حمله نظامی آمریکا به عراق، ویکتور کلارک سخنگوی پنتاگون اعلام کرد: "سربازان آمریکایی در جریان حملات شش روز گذشته ۶۰۰ فرزند موشک کروز تامهاوک و بیش از ۴۳۰۰ فرزند بمب هدایت شونده دقیق به سوی عراق پرتاب

کرده اند! یعنی در هر شبانه روز ۸۱۶ بمب و موشک (هر ۱۰۵ ثانیه یک بمب و موشک) فقط توسط سربازان آمریکایی بر سر مردم عراق فرو ریخته شده است. با این همه، اینها هنوز ظاهرا اشتهای سیری ناپذیر مرگ آفرینان لندن و واشنگتن را کفایت نمی دهد. سخنگوی پنتاگون خبر داد که افزون بر ۲۵۰ هزار سرباز آمریکایی و ۵۰ هزار سرباز انگلیسی و استرالیایی، به زودی ۱۲۰ هزار سرباز دیگر از چهارمین گردان پیاده نظام آمریکا به آنها ملحق خواهد شد. همچنین بیش از هزار چتر باز آمریکایی از مقر خود در ایتالیا، در شمال عراق مستقر شدند. سوازی افزایش نیروهای نظامی، روز به روز بر تراکم سلاح ها و سایر تجهیزات نظامی آمریکا در منطقه افزوده می شود. خبرگزاری رویتر خبر داد که جرج دبلیو بوش، نماینده انحصارات مالی و صنایع نظامی آمریکا، یک بودجه اضطراری ۷۵ میلیارد دلاری برای ادامه جنگ درخواست کرده است. در آغاز تصور می شد که بایک جنگ سریع و آسان، قضیه به سان افغانستان خاتمه خواهد یافت و شهرهای عراق به فوریت سقوط خواهند کرد. اما مسئله به آن سادگی نبود. پنتاگون به این موضوع اعتراف کرد. بوش نیز در مقرر پنتاگون گفت که نمی داند این جنگ تا چه زمانی طول خواهد کشید! با این همه بر عملی کردن نقشه های آمریکا به هر قیمت تاکید نمود. روز نامه واشنگتن پست پنجشنبه ۲۷ مارس به نقل از برخی مقامات وزارت دفاع آمریکا نوشت ممکن است جنگ چند ماه به طول انجامد. ریچارد پرل رئیس هیئت مشاوران دفاعی پنتاگون، همان روز استعفا داد. و تونی بلر این سگ طوله دست آموز بوش، که خود سگ دست آموز انحصارات مالی و نظامی آمریکاست، در یک کنفرانس خبری نه تنها از تفاوت شرایط افغانستان و طالبان با شرایط عراق سخن گفت، بلکه به روشنی به دشواری بودن پیشروی ارتش های مهاجم نیز اعتراف کرد در عین حال در برابر این سوال که مردم عراق به لندن و واشنگتن اطمینانی ندارند، باز هم به شیوه ارباب خویش پارس کرد که "با این وجود دو کشور طبق طرح های قبلی در خاک عراق پیشروی خواهند کرد"

بنابراین جنگ و ویرانی، کشتار مردم بی دفاع و انهدام شهرها و اماکن مسکونی عراق ادامه خواهد یافت. ارتش های تجاوزگر امپریالیستی به رهبری آمریکا، تصمیم گرفته اند به هر قیمت عراق را به اشغال خویش در آورند. هیچکس، مطلقا هیچکس ولو ساده لوح ترین افراد واقشار مردم جهان ادعاهایی را چون "آزادسازی عراق"، "دفاع از حقوق بشر"، "ایجاد امنیت و آرامش در منطقه" و مهم تر از آن "آزادی ستمدیدگان" و خزعلات دیگری از این دست که اخیرا در پایگاه مک دیل مقرر مانده می مرکزی آمریکا یک بار دیگر بر زبان بوش جاری شد، باور نکرده است و باور نخواهد کرد. آخر چگونه می توان با کشتار مردم ستمدیده آنان را آزاد کرد؟! ارتش تجاوزگر آمریکا می خواهد با آزاد ساختن مردم ستمدیده از قید حیات، ستمدیدگان را آزاد کند! می خواهد با غارت و چپاول منابع نفتی و اشغال نظامی عراق، عراق را آزاد کند! مردم زحمتکش و رنج دیده عراق با وجود آن که خواهان تغییر اوضاع اند و از ده ها سال سلطه رژیم ارتجاعی بعث و دیکتاتوری صدام حسین خسارات و زیان های

فراوانی دیده اند، اما هیچگاه دروغ های امپریالیستی را باور نخواهند کرد. از هم اکنون روشن است که در تعیین نظام بعد از سرنگونی صدام حسین، مردم عراق هیچ نقشی نخواهند داشت. کسی نیست که نداند آمریکا در صدد روی کار آوردن یک دولت صد در صد نشانده خویش است. به رغم آن که اوضاع بعد از سرنگونی صدام، کم و بیش مورد مشاجره است، و بسیاری از کشورها از جمله فرانسه، روسیه و آلمان با این که شورای امنیت به طرح آمریکا وانگیس در روی کار آوردن یک دولت دست نشانده آنها مشروعیت ببخشند مخالفتند، اما آمریکا از قبل در این مورد نیز تصمیم گرفته است و عجلتا حتا حاضر نیست دخالت این کشورها را بپذیرد چه رسد به دخالت مردم عراق! چند روز پیش کالین پاول وزیر خارجه آمریکا اعلام نمود پس از سرنگونی صدام، آمریکا کنترل عراق را رسماً به دست خواهد گرفت و این مسئله را به "سازمان ملل نخواهد سپرد" وی تصریح کرد که در اسرع وقت یک دولت غیر نظامی آمریکایی شکل خواهد گرفت تا بعداً نوبت به دولت انتقالی عراقی برسد! امپریالیسم آمریکا حتا "حاکم غیر نظامی" عراق پس از صدام حسین را نیز مشخص کرده است. و تونی بلر در سفر اخیر خود به آمریکا گفت که انگلیس از طرح آمریکا برای انتصاب "یک حاکم غیر نظامی" به نام "ژنرال جی گارنر" حمایت می کند! او اضافه کرد که سازمان ملل هم باید از این طرح حمایت کند! ژنرال جی گارنر که تحت امر مستقیم پنتاگون فعالیت می کند، از آغاز جنگ وارد کویت شده است و دارد خود را برای حکمروایی بر عراق و مردم زحمتکش آن آماده می کند! روشن است که امپریالیسم آمریکا در بر - افروختن آتش جنگ با عراق و اشغال نظامی این کشور، مقاصد راهزانه و توسعه طلبانه خویش را تعقیب می کند. جرج بوش (و دولت آمریکا نیز) مجری سیاست های انحصارات مالی - صنعتی و شرکت های بزرگ نفتی و در یک کلام سرمایه امپریالیستی است. امپریالیسم در تدارک چنگ اندازی به منابع نفتی، بازارهای عراق و سایر کشورهای منطقه و توسعه طلبی در مقیاس جهانی است. بمباران ها و موشک باران های بلا وفقه و وحشیانه و کشتار مردم بی دفاع و اشغال نظامی عراق، با آن طور که بوش می گوید "استراتژی شوک و وحشت" مقدمه این استراتژی است.

همین چند روز کافی بود تا مردم جهان بار دیگر زورگویی و سلطه جویی امپریالیسم و بربریت نظام گنبدیده سرمایه داری را به چشم ببینند و به ماهیت این استراتژی پی ببرند. گرچه تا همین حالا هم اقدامات تجاوزکارانه امپریالیسم، مخالفت های وسیعی را در سراسر جهان علیه آمریکا برانگیخته است و آمریکا از هم اکنون در نقاط مختلف جهان به برپا داشتن دیوارهای بلند آهنین و استقرار محافظ بر گرد مراکز دولتی و سفارتخانه های خویش مشغول شده است، معهدا شاید هنوز به این مهم پی نبرده باشد که با آتش گشودن بر روی مردم عراق، آتشی زیر پای خویش بر افروخته است و در عین حال حقانیت سوسیالیسم به مثابه یک نظام آترناتیو انسانی را به مشغله ذهنی جهانیان مبدل ساخته است.



این، یک جنگ امپریالیستی، توسعه طلبانه،

تجاوزکارانه، راهزانه و ارتجاعی است

کارگران وزحمتکشان ایران! زنان وجوانان تحت ستم! روشنفکران انقلابی!

در پی اولتیمام امپریالیسم آمریکا به عراق، بوش فرمان حمله نظامی به عراق را صادر کرد و از نخستین ساعات بامداد امروز، حملات موشکی و بمباران شهرهای عراق آغاز گردید.

این جنگ در حالی توسط بلوک امپریالیستی تحت رهبری آمریکا، آغاز گردید که میلیونها تن از مردم سراسر جهان، آشکارا با راهپیمایی و تظاهرات و دیگر اقدامات اعتراضی، مخالفت خود را با برافروخته شدن جنگ ابراز داشتند و آن را محکوم کرده‌اند. با این وجود، پاسداران منافع انحصارات جهانی، نه تنها کمترین اعتنایی به این موج گسترده مخالفت مردم جهان نکردند بلکه ماهیت پوشالی نهادهای بین‌المللی خود نظیر سازمان ملل وارگان‌های آن همچون شورای امنیت را نیز برملا کردند و این بار به علت تشدید تضادهای درونی اردوگاه امپریالیسم، اردوگاه امپریالیستی تحت رهبری آمریکا منتظر تصمیم شورای امنیت نیز نماند.

بوش، این مجری سیاست‌های ارتجاعی و توسعه طلبانه انحصارات امپریالیستی آمریکا در فرمان حمله نظامی به عراق، باردیگر ادعای رسوای خود را مبنی بر این که ارتش آمریکا به خاطر آزادی مردم عراق و نابودی سلاح‌های کشتار جمعی، قصد اشغال این کشور را دارد تکرار نمود. پاسخ این ادعای رسوا و مسخره را صدها میلیون تن از مردم جهان با ابراز مخالفت علنی خود با جنگ داده‌اند.

مردم سراسر جهان با اعتراضات و تظاهرات گسترده خود نشان دادند که به خوبی، به اهداف و مقاصد قدرت‌های امپریالیست جهان واقف‌اند و می‌دانند که این جنگ به خاطر منافع اقتصادی و سیاسی انحصارات سرمایه داری آغاز شده است. از همین روست که آن را به عنوان یک جنگ امپریالیستی، توسعه طلبانه و تجاوزکارانه محکوم کرده‌اند. امپریالیسم نه با آزادی و رهایی مردم، بلکه با جنگ، کشتار، ویرانی، ارتجاع سیاسی، اسارت و به بند کشیدن ملت‌های ضعیف‌تر، غارت و چپاول و استعمار عجیب است.

تاریخ سراسر دوران پیدایش امپریالیسم، گواه روشنی‌ست بر این حقیقت و امپریالیسم آمریکا و انگلیس که اکنون صحنه گردان جنگ جدید علیه مردم عراق‌اند، در این جنایات، سرآمد دیگر قدرت‌های امپریالیست هستند.

قدرت‌های امپریالیست، همواره از رژیم‌های ارتجاعی و سرکوبگر منطقه خاور میانه حمایت کرده‌اند و در به قدرت رسیدن و ادامه حیات آنها نقش اصلی را داشته‌اند. لذا ادعای آنها در مورد آزادی و استقرار رژیم‌های به اصطلاح دموکراتیک، پوشالی‌تر از آن است که حتا عقب‌مانده‌ترین و ناآگاه‌ترین مردم را فریب دهد.

این برعهده خود مردم کشورهای منطقه است که با رژیم‌های استبدادی و سرکوبگر تسویه حساب کنند و آنها را براندازند. این توده‌های زحمتکش مردم عراق هستند که باید رژیم دیکتاتوری حاکم بر این کشور را براندازند. مردم منطقه خاور میانه نیازی به ناجیان ستمگر و استثمارگر ارتجاعی که سالها توده‌های زحمتکش را به بند کشده‌اند و اکنون نیز می‌خواهند با کشتار مردم زحمتکش به اهداف و مقاصد اقتصادی و سیاسی خود جامه عمل پوشند و رژیم‌های دست نشانده خود را به مردم تحمیل کنند ندارند.

اهداف و مقاصد قدرت‌های امپریالیست از برافروختن این جنگ برهنگان روشن است. این جنگی‌ست برسر تجدید تقسیم بازارهای منطقه خاور میانه، جنگی‌ست برای کسب سودهای بیشتر توسط انحصارات امپریالیستی، جنگی‌ست برای غارت و چپاول و استعمار و به بند کشیدن هرچه بیشتر کارگران وزحمتکشان منطقه. تلاش‌ست از سوی انحصارات امپریالیستی جهان برای نجات سرمایه داری درحال زوال، از چنگان بحران‌های عمیق اقتصادی و سیاسی که اکنون تمام جهان سرمایه‌داری را فراگرفته است.

بدیهی‌ست که جنگی با چنین اهداف و مقاصدی، همان‌گونه که به افغانستان محدود نماند، به عراق نیز محدود نخواهد ماند. دامنه این جنگ دیر یا زود به دیگر مناطق خاور میانه و آسیای مرکزی گسترش خواهد یافت. با گسترش این جنگ، تضادهای قدرت‌های امپریالیست جهان که هر یک سهم بیشتری از بازار و چپاول را می‌خواهند، تشدید خواهد شد. تشدید روز افزون این تضادها به معنای افزایش خطر گسترش جنگ در ابعاد جهانی‌ست که نابودی میلیون‌ها انسان و تباهی و نابودی انبوهی از نیروهای مولده انسانی را در پی خواهد داشت.

تنها راه نجات بشریت ستمدیده از شر جنگ، کشتار، ویرانی، ستم، استعمار، اسارت، اختناق و تمام فجایعی که سرمایه داری جهانی به بار آورده است و مقابله با فجایع بیشتر این نظام، انقلاب کارگری در مقیاس جهانی‌ست. این وظیفه کارگران تمام کشورهای جهان و زحمتکش‌ترین و ستمدیده‌ترین مردم است که نه تنها قاطعانه با جنگ‌ها و کشتارهای وحشیانه امپریالیسم مخالفت کنند و آن را محکوم نمایند، بلکه برای نجات تمام بشریت ستمدیده، با انقلاب کارگری، طومار نظام سرمایه‌داری را با تمام فجایع‌اش برچینند.

سازمان فدائیان (اقلیت) که همواره جنگ‌های امپریالیستی و ارتجاعی را به عنوان اقداماتی جنایتکارانه و ضد بشری محکوم نموده است، یک بار دیگر جنگ بلوک امپریالیستی تحت رهبری آمریکا علیه مردم عراق را قاطعانه محکوم می‌کند و از کارگران وزحمتکشان ایران نیز می‌خواهد، هم‌صدا با کارگران و تمام مردم صلح دوست جهان، این جنگ ارتجاعی را محکوم کنند.

کارگران وزحمتکشان ایران! زنان وجوانان تحت ستم! روشنفکران انقلابی!

با وقوع جنگ و بحرانی‌تر شدن اوضاع منطقه، رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی حاکم بر ایران، در تلاش است، یا دامن زدن به تلاش‌های ناسیونالیستی و شوونیستی و تشدید اختناق، از این اوضاع به نفع خود بهره‌گیری کند و خود را از چنگال بحرانی که در آن گرفتار است، نجات دهد. در همین حال، برخی از احزاب و سازمان‌های سیاسی وابسته به سرمایه داران و قدرت‌های امپریالیستی جهان به ویژه سلطنت طلبان، در تلاش‌اند چهره کریه امپریالیسم آمریکا و اهداف و مقاصد ضد بشری، توسعه طلبانه و تجاوزکارانه آن را بپوشانند و این جنگ ارتجاعی را در خدمت منافع مردم ایران برای آزادی و دموکراسی معرفی کنند.

ما هرگز نباید فریب بخوریم. امپریالیسم آمریکا و دیگر امپریالیست‌ها و نیز جمهوری اسلامی دشمنان بشریت و دشمنان ما مردم زحمتکش و ستمدیده هستند. ما نباید لحظه‌ای این حقیقت را فراموش کنیم که قدرت‌های امپریالیست جهان، سال‌هاست که ما مردم ستمدیده ایران را به بند کشیده و از رژیم‌های استبدادی و سرکوبگر در ایران حمایت کرده‌اند.

ما همچنین لحظه‌ای نباید در تلاش خود برای سرنگونی جمهوری اسلامی درنگ کنیم. تحت هر شرایطی ما باید به وظیفه خود برای برپایی انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی عمل کنیم. راه نجات ما، انقلاب در ایران و اتحاد با کارگران و ستمدیدگان سراسر جهان برای سرنگونی امپریالیسم و سرمایه داری در مقیاس جهانی است.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی

نابود باد امپریالیسم و جنگ

نابود باد سرمایه داری جهانی - زنده باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقلیت) - ۱۳۸۱ سفند ۱۲۹

کار - نان - آزادی - حکومت شورایی

اخبار کارگری جهان

* ادامه اعتصاب معدنچیان اوکراینی

اعتصاب واعتصاب غذای دهها معدنچی در اعماق زمین وارد سومین هفته خود شد. شرایط مرگبار کار و نبود حداقل امکانات ایمنی و عدم پرداخت دستمزدها در ماههای اخیر از دلایل اعتصاب معدنچیان است که چندین معدن در سراسر اوکراین را در بر گرفته است. گویی اتمام این فشارها کافی نیست که اکنون نیز دولت اوکراین اعلام نموده که بیش از ۱۵ معدن را به دلیل زیان دهی تعطیل کرده و باقیمانده معادن این کشور را نیز به سرمایه‌داران خصوصی خواهد فروخت. این اقدامات نیز چیز دیگری جز اخراج هزاران کارگر و گرسنگی و فقر میلیون‌ها نفر نخواهد بود. بیکاری بی‌آیندگی و مرگ ناشی از گرسنگی معدنچیان اوکراین را به مبارزه ای برای مرگ و زندگی کشانده است. این مبارزه هم‌اکنون با تمام‌قوا ادامه دارد و معدنچیان اعتصابی اعلام کردند که تا تحقق مطالبات خود به اعتصاب ادامه خواهند داد.

* اعتصاب کارگران راه آهن در اروپا

روز ۲۷ مارس تمامی کارگران راه آهن در ایتالیا، فرانسه و اسپانیا دست به یک رشته اعتصابات زنجیره ای زدند. اتحادیه اروپا تصمیم دارد که برخی از خدمات راه آهن در کشورهای اروپایی رابه بخش خصوصی واگذار نماید. نتیجه این اقدامات نیز به وضوح در انگلستان و بخشی از دانمارک در مقابل چشم‌همگان است. در اینجا بخشی از خدمات راه آهن به شرکت‌های خصوصی نظیر Arriva واگذار شده است. پی آمد مستقیم این امر اخراج بخشی از کارگران، اعمال فشار بیشتر بر بقیه کارگران و کاهش کیفیت خدمات ارائه شده از سوی این شرکت بوده است. همه این عوامل از جمله دلایلی بودند که کارگران راه آهن در این سه کشور اروپایی را به برپایی یک اعتصاب هماهنگ سوق دادند.

این اعتصاب ابتدا در ایتالیا آغاز شد. در اینجا واز اولین ساعات بامداد، دهها هزار کارگر راه آهن در سراسر کشور کارها را به مدت ۳ ساعت تعطیل کردند و به این ترتیب حرکت صدها قطار مسافری و باری متوقف شد. پس از کارگران ایتالیایی، نوبت به کارگران راه آهن اسپانیا رسید که با اعتصاب سه ساعته خود ناراضیاتی کارگران را از این اقدامات سرمایه‌داران اروپا به نمایش بگذارند. در اینجا نیز توقف کامل قطارها در سراسر اسپانیا، هزاران مسافر را در ایستگاهها به انتظار نشاند و قطارهای باری با تاخیری چند ساعته به حرکت درآمدند. آخرین اعتصاب این روز توسط دهها هزار کارگر راه آهن در فرانسه انجام گرفت، در این کشور نیز کارگران در اتحاد با برادران خود در دیگر کشورهای اروپایی به خصوصی سازی خدمات راه آهن

اخباری از ایران

* اعتصاب راهپیمایی و تجمع یک پارچه کارگران نساجی

روز دوشنبه ۲۶ اسفند ۸۱، نزدیک به هزار نفر از کارگران کارخانه تجارت، کارخانه رحیم زاده، کوه فتح و پارس فاستونی اصفهان، دست از کار کشیدند و با انجام راه پیمایی و تظاهرات در خیابان های شهر، در برابر استانداری اصفهان دست به تجمع زدند. در این تجمع اعتراضی، کارگران خواستار پرداخت فوری ۶ تا ۸ ماه حقوق عقب افتاده و پایان بلا تکلیفی خود شدند. مسئولین دولتی که از یک پارچگی و هماهنگی اعتراض کارگران به وحشت افتاده بودند، فوراً نیروهای انتظامی و سرکوب را به محل فراخواندند تا کارگران را پراکنده سازند. اما کارگران دست به مقاومت زدند. در پی اصرار کارگران برای رسیدگی به مطالبات و پرداخت حقوق های عقب افتاده خویش، نیروی سرکوب صفوف کارگران را مورد حمله قرار دادند. در اثر این اقدام وحشیانه، تعدادی از کارگران مصدوم و تعداد دیگری نیز دستگیر شدند. در عین حال شمار دیگری از کارگران، شب همانروز توسط نیروهای انتظامی بازداشت و به زندان افتادند. مجموعه کارگران بازداشتی به ۱۲ نفر رسید که بعداً با قید ضمانت آزاد شدند و قرار است، دادگاه آنها بعد از تعطیلات نوروزی تشکیل شود و کارگران به جرم مطالبه دستمزدهایش محاکمه شوند!

* اعتصاب رانندگان شرکت واحد

روز یکشنبه ۲۵ اسفند ۸۱، رانندگان شرکت واحد اتوبوس رانی کرمانشاه دست به اعتصاب زدند. مدیریت این شرکت قبلاً قول داده بود، حقوق عقب افتاده و عیدی و پاداش رانندگان تا ۱۵ اسفند پرداخت شود. اما از آنجا که این وعده عملی نشد، رانندگان اتوبوس در یکی از میدابین شهر، اتوبوسها را متوقف ساختند که عملاً ترافیک شهر مختل گردید. به دنبال این اعتصاب، نماینده استاندار، جهت پایان دادن به اعتصاب، در جمع رانندگان معترض حاضر شد. نامبرده قول داد حقوق عقب افتاده فوراً پرداخت گردد و خواست پرداخت عیدی و پاداش رانندگان را نیز پی گیری نماید. اعتراض کنندگان تهدید کردند چنانچه خواست های سه گانه آنها عملی نشود، مجدداً دست به اعتصاب خواهند زد.

* تجمع اعتراضی کارگران شهرداری

دهها تن از کارگران شهرداری، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود، در برابر شهر - داری ناحیه یک منطقه ۱۲ تهران دست به تجمع زدند. در این تجمع اعتراضی که از ساعت ۵ بعد از ظهر تا ۹ شب به طول انجامید، کارگران خواستار پرداخت سه ماه حقوق عقب افتاده خود شدند.

اعتراض کرده و با این اعتصاب نشان دادند که سرمایه داران اروپا نمی توانند به این سادگی اقدامات ضد کارگری خود رابه بهانه کاهش هزینه تولید و بهبود کیفیت خدمات جامعه عمل ببوشانند.

* پایان اعتصاب کارگران راه آهن در آلمان

از اوایل سال جاری مسیحی، بیش از ۱۶۰ هزار کارگر راه آهن در سراسر آلمان، به انتظار نتیجه مذاکرات نمایندگان خود و نمایندگان کارفرما در خصوص تجدید قراردادهای دسته جمعی بودند. کارگران در این دور خواهان افزایش دستمزدها به میزان ۵ درصد، یکسان سازی دستمزدها در بخش شرقی و غربی آلمان، عدم خصوصی سازی خدمات راه آهن و بالاخره اعتبار قراردادهای دستجمعی به مدت تنها یکسال بودند. این خواسته‌ها با مخالفت کارفرما، یعنی شرکت دولتی راه آهن آلمان مواجه شد. همین امر یک رشته اعتصابات زنجیره ای از سوی کارگران را به همراه داشت. کارگران اعلام کرده بودند که تحمل آنها هم‌حدی داشته و آنها قصد ندارند که تنها به این اعتصابات زنجیره ای قناعت کنند. قرار بود که در صورت ادامه مخالفت نمایندگان کارفرما، اعتصاب کارگران وارد مرحله جدیدتری شود. اما در همین جا بود که کارفرما دست به عقب نشینی زد و با پذیرش بخش زیادی از خواسته های کارگران، با نمایندگان آنان به توافق رسید و مفاد قراردادهای دستجمعی مورد موافقت کارگران قرار گرفت. بر طبق این توافقات، دستمزدها به میزان ۳ درصد افزایش یافت و قرار شد دستمزدهای کارگران در دو بخش آلمان تا اواخر سال ۲۰۰۶ نیز به سطح یکسانی برسد.

* اعتصاب نفتگران هند

روز ۲۳ مارس، بیش از ۱۷ هزار نفر از کارگران دو پالایشگاه نفت در حوالی شهر دهلی نو اولین اعتصاب ۳ روزه خود را خاتمه دادند. این اعتصاب در اعتراض به تصمیم دولت مبنی بر خصوصی سازی بخشی از خدمات این پالایشگاه ها انجام گرفت. با آغاز این اعتصاب، بخشی از مناطق هند با کمبود نفت، بنزین و دیگر مواد سوختی مواجه شدند. در اینجا نیز انحصارات نفتی امپریالیست ها خواهان سهم بیشتری از بازار هند شده و به این ترتیب دولت این کشور را تحت فشار قرار داده‌اند تا خدمات پالایشگاهی نفتی این کشور را به دست سرمایه‌داران خصوصی بسپارد. این اقدام نیز بدون شک اخراج هزاران کارگر و فقدان امنیت شغلی برای بقیه کارگران را به دنبال خواهد داشت.

همین امر نیز باعث مخالفت همه جانبه نفتگران هند با طرح های پیشنهادی دولت مبنی بر خصوصی سازی خدمات پالایشگاه های این کشور شده است. کارگران اعلام نمودند در صورت ادامه اقدامات دولت، اواخر ماه آوریل، مجدداً دست به اعتصاب خواهند زد.

«چپ کارگری» و مسئله ۴ بهمن

با حدت گرفتن بحران سیاسی حاکم بر جامعه ایران و نزدیک‌تر شدن تحولات، احزاب و سازمان‌های سیاسی بر تبلیغات سیاسی خود افزوده‌اند. هر حزب و سازمانی تلاش می‌کند جایگاه خود را در رویارویی‌های طبقاتی آینده روشن کند و زمینه‌های نزدیکی به متحدین خویش را فراهم سازد. بازار ارائه برنامه و منشور و طرح اتحادها داغ است؛ بحث بر سر چگونگی سرنگونی جمهوری اسلامی؛ ومختصات حکومت جایگزین آن؛ بحث اغلب احزاب و سازمان‌های سیاسی است. در چنین شرایطی است که «چپ کارگری» به یاد مسئله ۴ بهمن افتاده است.

در اوایل بهمن ماه، اعلامیه‌ای با امضای «جمعی از اعضاء و فعالان سابق سازمان چریک‌های فدایی خلق که اکنون در اتحاد چپ کارگری فعالیت می‌کنند» به مناسبت هفدهمین سالگرد فاجعه ۴ بهمن منتشر شد. فردی با امضای ر - راسخ نیز به مناسبت هفدهمین سالگرد ۴ بهمن اطلاعیه‌ای با عنوان «فاجعه گاپیلون برگ سیاهی در تاریخ جنبش فدایی» منتشر کرده و باردیف کردن یک سری اطلاعات تحریف شده و بالحنی هیستریک کینه و نفرت خود را نسبت به جنبش فدایی به نمایش گذاشت. سرانجام خانم یاسمین میطر عضو هیئت هماهنگی چپ کارگری سلسله بحث‌هایی را در رابطه با ۴ بهمن در پالتاک سازماندهی کرد. ر - راسخ چه کسی است و هیستری ضد فدایی او از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ «جمعی از اعضا و فعالان سابق سازمان چریک‌های فدایی خلق که اکنون در اتحاد چپ کارگری فعالیت می‌کنند» چه کسانی هستند؟ این‌ها «اعضا و فعالان سابق» کدام سازمان چریک‌های فدایی هستند؟ عضو سازمان مهدی سامع هوادار مجاهدین بوده اند؟ عضو کمیته خارج کشور بوده اند یا شورایی‌عالی؟ چه کسانی در پشت این امضامخفی شده اند؟ این‌ها سئوالاتی است که می‌شود طرح کرد؛ اما این‌ها هر که هستند؛ وابسته به «چپ کارگری» اند.

سوال دیگر این است که چرا این‌ها پس از هفده سال برای ۴ بهمن یادبود می‌گیرند. چرا در دهمین، دوازدهمین و یا پانزدهمین سالگرد ۴ بهمن یادبود نگرفتند و چرا صبر نکردند در ۱۸ سالگی برایش یادبود بگیرند؟ و آخرین سوال این که چرا نام بردن از فاجعه ۴ بهمن و یادبود گرفتن برای آن از سوی این جماعت، مترادف است با فحاشی به سازمان ما و تکرار اراجیف اتحادیه میهنی و جلال طالبانی، حتا با همان کلمات و عبارات؟

اگر کسی با «چپ کارگری» آشنا نباشد، شاید تصور کند که بالاخره در میان جریان‌های چپ و مدعی چپ‌ایران جریانی هم پیدا شد که یک قدم از سایرین جلوتر است و برخلاف سایر نیروهای سیاسی که هنوز درگیر روشن کردن مواضع سیاسی‌شان و نزدیک شدن به متحدین شان هستند، اینها «این کارها را انجام داده‌اند» و حالا دارند مسایل چگونگی سازماندهی‌شان را حل می‌کنند و در راستای درس آموزی از لطامات و اشتباهات گذشته چپ، زمینه‌های

شکل‌گیری ۴ بهمن را بررسی می‌کنند تا با ایجاد مکانیزم‌هایی مانع از تکرار این مسایل شوند. اما کسی که اندکی با سابقه بنیان‌گذاران این جریان، با مواضع سیاسی آن و آنچه امروز از «چپ کارگری» باقی مانده آشنایی داشته باشد متوجه می‌شود که این بحث قرار است بر مشکلات دیگری که «چپ کارگری» با آن روبروست، سرپوش بگذارد. نظری به ترکیب این جمع و جهت تبلیغات آنها به سرعت نشان می‌دهد که هدف و انگیزه این جمع چیست.

در شرایط سیاسی امروز که احزاب و سازمان‌های سیاسی به تنوع قطبی‌تر شدن جامعه در مقابل یکدیگر صف‌آرایی می‌کنند، معضل تاریخی جریان سانتر خودنمایی می‌کند. دیگر نمی‌توان در پرس شعارهای کلی چپ سنگر گرفت. باید سریع و روشن در قبال مسایل و تحولات موضع گرفت. و این امری است که چپ کاذب از انجام آن عاجز است. «چپ کارگری» که سال‌ها پشت شعار کلی، کشدار و گول زنده حکومت کارگری سنگر گرفته است، حالا باید روشن کند که در کدام صف ایستاده است. چپ کارگری نمی‌تواند صف جریانات چپ و کمونیست را برگزیند چون چپ نیست. در عین حال نمی‌تواند به یکباره و بدون زمینه سازی‌های قبلی رسماً در صف جریانات بورژوازی قرار بگیرد؛ بلکه به یک دوران گذار نیاز دارد تا مسئله را از نظر سیاسی و روانی زمینه سازی کند. زمینه سازی نزدیکی به جریانات راست، طبیعتاً با حمله به جریانات چپ مترادف است.

حمله چپ کاذب به جریانات چپ و کمونیست عرصه‌های متعددی را در بر می‌گیرد. اگر به تبلیغات خط دهندگان «چپ کارگری» به ویژه در این اواخر توجه کنید، می‌بیند که آن‌ها تمام مبارزه و سنت جنبش کمونیستی را به مسخره می‌گیرند. انحرافات اردوگاه سوسیالیستی و فروپاشی این اردوگاه را دستاویزی کرده اند تا نهادهای پوسیده و متعفن بورژوازی را توجیه کنند. هرچیز که مربوط به جنبش کمونیستی و کارگری است، برایشان مترادف با سرکوب و سلب حقوق سیاسی است. حکومت شوراهای کارگران و زحمتکشان برای آنان مظهر دیکتاتوری و سرکوب است و حکومت بورژوازی نزد آنها رهایی بخش و بهترین شکل تضمین حقوق سیاسی و آزادی‌های دمکراتیک است. در چنین فضایی که ایجاد کرده‌اند، برخورد به انشعابات و اشتباهات چپ‌نیز حربه‌ای است تا ثابت‌کنند چپ‌ها سرکوبگر و ضد دمکرات هستند. در همین فضا است که برای ۱۷ سالگی ۴ بهمن مراسم یادبود می‌گیرند. بیهوده نیست که به شیوه‌ای بورژوازی پسند منظم و محکوم تعیین می‌کنند و اتفاقی نیست که همان عبارات و جملات اتحادیه میهنی کردستان و جلال طالبانی را علیه سازمان ما تکرار می‌کنند.

روشن است که بازبینی روش‌های کار تشکیلاتی، بحران‌ها و انشعاب‌های تشکیلاتی از ضروریات فعالیت کمونیستی است. تنها با بررسی روش‌های کار و نقد بی‌رحمانه خطاها و اشتباهات و ایجاد مکانیزم‌های لازم فعالیت جمعی و

کارحزبی است که می‌توان از تکرار خطاها جلوگیری کرد. این اصل عام در رابطه با بررسی فاجعه ۴ بهمن اهمیت ویژه‌ای می‌یابد چرا که طرفین درگیر برای حل اختلاف دست به سلاح بردند و این مسئله‌ای است که نباید گذاشت در جنبش چپ تکرار شود. از این روست که بررسی زمینه‌های شکل‌گیری ۴ بهمن اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند.

پس از واقعه ۴ بهمن ۶۴، کمیسیون تحقیقی از سوی اتحادیه میهنی کردستان که واقعه در قلمرو تحت‌اختیار آن رخ داده بود، تشکیل شد. این کمیسیون با کسانی که از دو طرف در درگیری شرکت داشته و یا شاهد آن بودند، مصاحبه‌هایی انجام داد. دستچینی از مصاحبه‌های انجام شده و نتیجه‌گیری کاملاً جانبدارانه و مغرضانه‌ای که به آن افزوده شده بود، به عنوان گزارش کمیسیون در آن زمان منتشر شد. علاوه بر این، مطالب و گزارشات زیادی هم از جانب طرفین درگیر که هم اکنون در تشکیلات‌های جداگانه فعالیت می‌کردند، و هم از طرف احزاب و جریانات چپ و راست منتشر شد. روشن است که ۴ بهمن به‌ابزاری در دست جمهوری اسلامی، مجاهدین و سلطنت طلبان تبدیل شد تا کینه و نفرتشان از کمونیست‌ها را بیرون بریزند. جمهوری اسلامی با بهره‌گیری از درگیری ۴ بهمن تلاش کرد روحیه مقاومت رفقای را که به جرم فعالیت با سازمان دستگیر و زندانی شده بودند، درهم بشکند. برخی از احزاب و سازمان‌های چپ هم فرصت را برای تسویه حساب با اقلیت معتنم شمردند و در مذمت نبود دمکراسی در تشکیلات اقلیت، عدم برگزاری کنگره و غیره به قلم فرسایی پرداختند. البته زمان کوتاهی لازم بود تا انشعابات بی در پی در همین سازمان‌ها و انتقاد مخالفان و معترضان به رهبری آن‌ها از نبود دمکراسی درون تشکیلاتی و غیره نشان‌دهند که نه تنها خود تافته جدا بافته‌ای نیستند؛ بلکه از این واقعه هیچ نیاموخته‌اند. به هر رو بحث بر سر واقعه ۴ بهمن پس از مدتی در سطح بیرونی فروکش کرد. اما در درون جریاناتی که پس از ۴ بهمن از یکدیگر جدا شده بودند، مسئله نمی‌توانست فراموش شود. برخورد انتقادی به مسئله ۴ بهمن در درون این سازمان‌ها مسئله‌ای جدی بود و خود به اختلافات درونی منجر شد. گرایشات وحدت طلبانه‌ای در بدنه هر دو جریان شکل گرفت. بحث و تبادل نظر بر سر وحدت مجدد میان جریان شورایی‌عالی و سازمان ما آغاز شد. این بار مسئله بررسی فاجعه ۴ بهمن در فضایی متفاوت از سال ۶۴ در دستور کار قرار گرفت. سرانجام در اکتبر سال ۹۰ کمیسیونی مرکب از نمایندگان هسته اقلیت شورایی‌عالی و سازمان ما برای جمع آوری اطلاعات و بررسی مسئله ۴ بهمن شکل گرفت. این کمیسیون دعوت نامه‌ای برای جریان موسوم به کمیته خارج فرستاد و از آن خواست که نمایندگان برای عضویت در کمیسیون و انجام تحقیقات معرفی نماید. برای کمیسیون تعجب آور نبود که هیچگاه پاسخی دریافت نکرد. کمیسیون سه سازمان به ناگزیر کار خود را

«چپ کارگری» و مسئله ۴ بهمن

آغاز کرد و طی نزدیک به ۱۰ ماه فعالیت، جلسات متعددی تشکیل داد. مهم ترین کار این کمیسیون برگزاری یک جلسه با شرکت اعضای کمیته مرکزی وقت سازمان و اعضای شورایی عالی وقت بود. بهرام مسئول کمیته خارج این بارنیز به دعوت کمیسیون پاسخی نداد. به جز بیدی از اعضای شورایی عالی وقت، سایر دعوت شدگان در جلسه حاضر شدند و طی سه روز بحث و گفتگوی رودررو با کمیسیون، اطلاعات و نظرات خود در مورد زمینه های شکل گیری بحران در درون سازمان و درگیری نظامی را در اختیار کمیسیون قرار دادند. البته کمیسیون برنامه های دیگری در دستور کار خود داشت که موفق به انجام آن ها نشد. اما نوار تمام جلساتی که کمیسیون از ابتدا تا آخرین روز حیاتش برگزار کرد و از جمله نوار کلیه صحبت های آن جلسه ۳ روزه کلمه به کلمه پیاده و توسط نمایندگان سه سازمان با اصل نوارها تطبیق داده شد. کمیسیون متأسفانه نتوانست این اسناد را منتشر سازد. اما نسخه های از آن نزد هرجریان موجود است. تا آنجا که به سازمان ما برمی گردد، ما که امکان مالی چاپ این اسناد را نداشتیم، آنها را به همان شکل خام و دست نویس پیاده شده از نوار تکثیر کردیم و به اضافه نامه هایی که کمیسیون ارسال یا دریافت کرده بود، به صورت یک مجموعه در محدوده رفقای که به این مبحث علاقمند بودند، توزیع نمودیم. رفقای که طی ده سال گذشته با سازمان ما در ارتباط بوده اند، و رفقای که طی این سالها از ایران تماس گرفته و خواهان اطلاعات در مورد ۴ بهمن شده اند، این جزوه ۳۰۰ صفحه ای را که تاریخ مهر ۱۳۷۲ رادارد، دیده اند. این مجموعه جدی ترین کاری است که در رابطه با بررسی ۴ بهمن انجام شده و بی طرفانه ترین مطلبی است که در این باره وجود دارد. اما این مجموعه و سایر مطالبی که در باره ۴ بهمن موجود است، یک حلقه مفقوده دارد.

در بررسی مطالب مربوط به مسئله ۴ بهمن، مکرر به اقدامات کمیته خارج کشور اشاره می شود، اما از کسانی که در این کمیته عضویت داشته اند، هیچیک تاکنون حاضر نشده اند. در این باره حرفی بزنند. حادثه نظامی ۴ بهمن بدون زمینه شکل نگرفت، بلکه درگیری نظامی نقطه نهایی بحرانی بود که از مدت ها پیش در سازمان چریک ها ایجاد شده، و رشد کرده بود. و هریک از طرفین طی این فاصله به اقداماتی دست زده بود. دوست و دشمن این مسئله را می دانند که کمیته خارج کشور سازمان در آن زمان به سبب گرایشات سیاسی مسئول و اعضای این کمیته و همچنین از این رو که امکان مالی و تدارکاتی و ارتباطی سازمان را در اختیار داشت، نقش بسیار مهمی بازی می کرد.

شکست انقلاب، و سرکوب خونین جریانات چپ توسط جمهوری اسلامی نه تنها بهی جان هزاران تن از فعالان چپ انجامید، بلکه آن بخش از نیروی جریانات چپ که توانست از این سرکوب جان سالم به در ببرد، دچار بحران و انشعابات متعدد شد.

گسترش اعتراضات علیه جنگ**و تشدید سرکوب این مبارزات**

خیابان های کراچی اعتراض خود را به گوش جهانیان رساندند. در جاکارتا پایتخت اندونزی، صدها هزارتن با دادن شعار علیه تجاوز امپریالیست ها، مخالفت خود را به نمایش گذاردند. در بسیاری از شهرهای آلمان تظاهرات های مشابهی برگزار گردید. با اوج گیری این اعتراضات، سرکوب و دست گیری و پی گرد شرکت کنندگان در این مبارزات نیز شدت می یابد. حمله پلیس به تظاهرات کنندگان لوس آنجلس و ضرب و شتم صدها و دستگیری دههاتن، دستگیری و پی گرد تظاهر کنندگان در بارسلون - اسپانیا و شلیک به سوی آنها به زخمی شدن دهها تن انجامیده است. "ناجیان" مردم عراق و افغانستان که ادعای کنند باراتت و بمب آزادی رادراین کشورها برقرار خواهند کرد، در کشورهای خود، مخالفین جنگ را با شدت و وحشیگری تمام به خاک و خون می کشند. طی دو هفته ای که از آغاز جنگ می گذرد، شدت سرکوب به حدی بوده است که تاکنون ۳ بار از سوی عفو بین الملل مورد انتقاد قرار گرفته است. سازمان عفو بین الملل در آخرین بیانیه مطبوعاتی خود به تاریخ ۳۰ مارس سال جاری ضمن هشدار به دول، و اعتراض به سرکوب مخالفین جنگ، خواهان پایان دادن به نقض حقوق اولیه ای چون آزادی عقیده و بیان و تجمع شده است. در بخش -هایی از بیانیه فوق آمده است: "از نیمه دوم مارس سال جاری در بلژیک ۴۵۰ تن از مخالفین جنگ دستگیر شده اند. . . در ۷ کشور، پلیس یا توسل به اسلحه، به سوی تظاهرات کنندگان آتش گشوده است که به مرگ ۷ تن از جمله یک کودک ۱۱ ساله منجر شده است. . . بسیاری از دستگیر شدگان بیش از ۱۲ ساعت در بازداشت بوده اند و دهها مورد از شکنجه دستگیر شدگان گزارش شده است. . . در خرابطم - سودان، سه دانشجو در حین تظاهرات، از سوی مامورین به گلوله بسته شده و کشته شدند. . . علاوه بر سرکوب و محدودیت آزادی ها، در همین گزارش به موارد دیگری از نقض حقوق اشاره شده است. از جمله: "در بسیاری از نقاط جهان، حقوق پناهندگی به شدت مورد حمله قرار گرفته است. اتحادیه اروپا، دانمارک، نروژ، سوئد و انگلستان امر پذیرش پناهجویان را متوقف کرده اند. در آمریکا ۳۳ نفر از اتباع خارجی هنگام ورود به خاک این کشور دستگیر شده اند که هنوز از سرنوشت آنها خبری نیست."

و باید امیدوار بود حلقه های مفقوده این اطلاعات هم روزی تکمیل شود. در عین حال باید منتظر بود تاهیت هماهنگی "چپ کارگری" از مسایل دیگر تشکیلات چپ فراغت حاصل کند و جایگاه این جریان را در تحولات آتی روشن کند. باید در انتظار ماند و دید که آیا "چپ کارگری" آنقدر کارگری هست که در تحولات آینده در کنار جریانات چپ و کمونیست قرار بگیرد و از حاکمیت مستقیم کارگران دفاع کند، یا مدافع نهادهای بورژوازی است و از فراندوم و مجلس موسسان دفاع می کند؟

سازمان فدایی به عنوان بزرگترین سازمان چپ ایران، که علاوه بر توده ای بودن، به تنهایی تمامی گرایشات سیاسی و ایدئولوژیک موجود چپ رادرخود داشت، پیش از سایر جریانات چپ به بحران های تشکیلاتی دچار شد و با نیرویی که این سازمان در خود جا داده بود، هر تکان سیاسی و تشکیلاتی درون آن نتایجی به بار می آورد و در سطح جنبش انعکاس می یافت. در سایر سازمان های چپ حتا پس از انشعابات و بحران های تشکیلاتی، مسایل بسیاری مکنون می ماند. هیچ سازمان چپ دیگری را نمی توان یافت که مسائلی در سطح جنبش تا این اندازه باز باشد و در مورد آن گفتگو شده باشد. در نیمه دوم دهه شصت، کار به جایی رسیده بود که حتا هر یک نفری که از این سازمان جدا می شد این رسالت را برای خود قایل بود که بیانیه ای در سطح جنبش منتشر کند، و به جا و بی جا، و درست یا نادرست اطلاعاتی را منتشر سازد و به قول معروف افشاگری نماید. اما کسانی که در جریان بحران منجر به فاجعه ۴ بهمن و پس آن عضو کمیته خارج کشور بودند، از این قاعده مستثنا هستند. این امر در وهله نخست به ویژگی افراد عضو کمیته خارج و نحوه سازماندهی آنها بر می گردد. این کمیته در درون تشکیلات سازمان به صورت جزیره جداگانه ای عمل می کرد و نه در آن زمان و نه بعدها کسی از ماجراهای درونی آن با خبر نبود. ۴-۵ نفری که عضو این کمیته بودند، به دقت توسط مسئول کمیته گزین شده و مورد اعتماد کامل او بودند. این افراد به دلیل اطاعت محض از مسئول کمیته و بله قربان گویی، در راس کمیته خارج کشور سازمان قرار گرفته بودند و صدها هوادار سازمان را در خارج کشور تحت مسئولیت داشتند. این افراد تنها زمانی یکی پس از دیگری از کمیته خارج جدا شدند که دیگر از آن همه نیرو و آن امکانات خیره کننده خبری نبود و موقعیت فردی شان به خطر افتاده بود. برخی از آن ها به کل با فعالیت سیاسی وداع گفتند و معدودی، پس از یک دوره فترت مجددا فعالیت سیاسی را از سر گرفتند و این بار اگر چه در جبهه ای دیگر، اما به همان سبک و سیاق گذشته به فعالیت سیاسی مشغولند.

باز هم در هر لحظه معین، همان کاری را می کنند که حفظ موقعیت شخصی شان ایجاب کند. همچنان مامور اجرا هستند. بیهوده نیست که علی رغم گذشت بیش از یک دهه از جدایی -شان از کمیته خارج، هنوز حاضر نشده اند حتا یک صفحه درباره آن چه خود در آن سهیم بوده و یا شاهد انجامش بوده اند، بنویسند. اگر در درون "چپ کارگری" کسی هست که واقعا به دور از جنجال که اکنون برای سرپوش گذاشتن بر مشکلات دیگر "چپ کارگری" به راه افتاده، بخواهد مستقلا در رابطه با زمینه های شکل گیری ۴ بهمن و خود این حادثه نظامی تحقیق کند، علاوه بر جزوه ای که به آن اشاره شد، لازم است تمام مطالبی که دو طرف درگیر در ماجرا، سازمان های دیگر، حتا مجاهد و سلطنت طلب و جمهوری اسلامی منتشر کرده اند، مطالعه، بررسی و خود قضاوت کند. اسناد در این زمینه به اندازه کافی هست

چرا شوراها

سرمایه بردمکراسی خط پایانی کشیده می‌شود. در دمکراسی شورایی نه فقط تمامی مقامات دولتی انتخابی بوده و آنان در هر موقع قابل تعویض می‌باشند، بل از حقوقی نیز در حد حقوق یک کارگر ماهر برخوردار خواهند بود. بنابراین در این نوع از دمکراسی، تمامی نمایندگان و دولتمردان می‌بایست که در هر موقعیتی جوابگوی انتخاب کنندگان باشند. در اینجا، کارگران و زحمتکشان و سربازان و تمامی مردم با تشکل در شوراها، خود بر سرنوشت خود مسلط خواهند بود. آنها از طریق شوراها که هم ارگان قانون‌گذاری است و هم ارگان اجرایی، برای تمامی مردم آزادی کامل فکر و عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماع، تظاهرات و اعتصاب، تشکل و فعالیت احزاب و سازمان‌های سیاسی، اتحادیه‌های کارگری، شوراها و کلیه تشکل‌های صنفی و دمکراتیک را تضمین خواهند نمود.

در دمکراسی شوراها کلیه اتباع، مستقل از عقیده، نژاد، جنسیت، قومیت و ملیت از حقوق برابر برخوردارند و شوراهای مردمی متضمن

جنگ امپریالیست‌ها در عراق

در میان نیست. با توجه به مخالفت کشورهای بزرگ امپریالیستی نظیر فرانسه، آلمان و روسیه با این جنگ، هزینه‌لشکر کشی امپریالیست‌ها به عراق باید تنها توسط امپریالیست‌های آمریکایی و بخش انگلیسی تامین شود. این خود نیز مشکلات زیادی را در پی خواهد داشت. اقتصاد بحران زده این کشورها بدون شک نخواهد توانست در دراز مدت از عهده هزینه کم‌رشدن این جنگ ویران‌گر برآید و افزایش بیکاری و تشدید بحران اقتصادی عرصه را هرچه بیشتر بر دولت‌های این کشورها تنگ خواهد نمود.

به این ترتیب بود که امپریالیست‌ها پس از نزدیک به ۱۱ روز موشک باران وحشیانه شهرهای عراق، به ویژه شهر بغداد، و نشر اکاذیب در مورد پیشروی برق آسای نیروهای تحت فرماندهی خود، به فکر تجدید آرایش و قوای خود افتاده و اعلام نمودند که بیش از ۱۰۰ هزار سرباز آمریکایی تازه نفس از نیرو - های زرهی این کشور به سمت خاور میانه حرکت کرده و در چند روز آینده و در نقاط مختلف خاک عراق به دیگر نیروهای ائتلاف امپریالیست‌ها می‌پیوندند. به این ترتیب موج اول حمله امپریالیست‌ها با شکست مواجه شده و پس از آماده سازی مقدمات لازم چینی نخواهد گذشت که شاهد دومین حمله سربازان ائتلاف امپریالیستی علیه مردم عراق باشیم. جنبش جهانی ضد جنگ نیز از همان اولین دقائق آغاز این جنگ ویرانگر مبارزات خود را گسترش داد. به این ترتیب امپریالیست‌ها دریافته‌اند که تنها در خاک عراق نیست که محاسبات آنها اشتباه از آب در آمده است. دستگاه‌های تبلیغاتی امپریالیستی تصور می‌کردند که افکار عمومی جهان و نیروهای

مصونیت فرد و محل زندگی، آزادی مسافرت، اقامت، شغل و مکاتبات تمامی آحاد خواهند بود. آنان تمامی دستگاه‌های تفتیش و سانسور و شکنجه را منحل کرده و این اقدامات را بی قید و شرط ممنوع اعلام خواهند کرد.

دین را از دولت و مذهب را از مدارس کاملا جدا نموده و تبعیض بر پایه جنسیت را ملغا خواهند نمود. شوراها رسم دیپلماسی سری را برانداخته و مردم را از تمامی مناسبات، مباحثات، مذاکرات، عقد قراردادهای و پیمان‌ها با دول دیگر آگاه خواهند کرد. و خلاصه کلام، شوراها سیاست خود را بر مبنای دوستی تمام ملل جهان، از هر نژاد و رنگ قرار خواهند داد.

بدین خاطر است که ما تنها راه را برای ایجاد فردایی بهتر، فردایی بدون جنگ و خونریزی، بدون فقر و استثمار، در دمکراسی شورایی و سوسیالیسم می‌بینیم و تمامی اشکال دولتی را که به نحوی از انحاء از مشارکت مستقیم مردم در اداره دولت طفره می‌روند راد کرده و تمامی کارگران و زحمتکشان را برای برقراری دمکراسی شورایی فرا می‌خوانیم.

ف- آروین

مخالف این جنگ نیز فریب تبلیغات دروغ آنان مبنی بر سرنگونی سریع عراق و استقبال مردم ستم‌دیده این کشور از سربازان ائتلاف امپریالیستی را خورده و سرعت سیر حوادث دیگر جایی برای اعتراضات ضد جنگ باقی نخواهد گذاشت. اما روند حوادث نشان از واقعیتی دیگر داشت. همان گونه که در پیش اشاره شد، هنوز دقایقی چند از آغاز موشک باران مردم عراق نگذشته بود که بیش از ۳۰ هزار نفر به خیابان‌های شهرهای سیدنی و ملبورن آمدند و از دولت این کشور خواستند که سربازان استرالیایی را به سرعت از خاک عراق خارج کنند. موج اعتراضات به سرعت به تمام نقاط جهان گسترش پیدا کرد. در اروپا صدها شهر شاهد اعتراضات وسیع دهها هزار نفر از مردم خشمگین بودند که خواهان توقف فوری این جنگ شدند. گذشته از شهرهای بزرگ و کوچک در اروپا، صدها شهر در آسیا و آمریکا نیز شاهد قدرت نمایی مخالفان جنگ بود. تظاهرکنندگان در چند کشور عربی به سفارت خانه‌های آمریکا و انگلستان حمله کردند و با پرتاب سنگ، شیشه‌های ساختمان سفارت را شکسته و با به آتش کشیدن پرچم آمریکا، نفرت و انزجار خود از حضور نظامی این کشور در خاور میانه را به نمایش گذاشتند. در اولین روزهای آغاز جنگ، اغلب تظاهرکنندگان جوانان، محصلین و دانشجویان بودند که کلاس‌های مدرسه و دانشگاه را تعطیل کرده و به خیابان‌های آمدند و تقریباً تمامی این اعتراضات نیز با راهپیمایی از نقاط مختلف شهر آغاز شده و با تجمع در مقابل دفاتر نمایندگی سیاسی آمریکا و انگلستان، نظیر سفارت خانه‌ها و کنسولگری‌های این کشورها، خاتمه می‌یافت. در برخی از این حرکات اعتراضی نیز کاربرد زدوخورد با ماموران پلیس کشیده شد. تظاهرات ضد جنگ تقریباً بلا انقطاع در شهرهای مختلف جهان و در روزهای پس از جنگ

توضیح هیئت تحریریه

رفقا! از آنجا که صفحات نشریه کار بسیار محدود است، بدین وسیله از همه رفقا و دوستانی که برای نشریه مقاله می‌نویسند تقاضا داریم این مسئله را در نظر بگیرند و مقالات کوتاه بفرستند. در عین حال گاه به علت تراکم مطالب، تحریریه ناچار است برخی مقالات را با تاخیر چاپ کند و یا به کلی از درج آن صرف نظر نماید.

دوست عزیز علی اسکندرپور

مقاله شما تحت عنوان "مرتجعین حاکم" ایران را به کجای می‌برند؟ را دریافت کردیم. از همکاری شما تشکر می‌کنیم و از مطلب ارسال شده استفاده خواهیم کرد.

رفیق گرامی الف- آرمان

با تشکر فراوان به خاطر ارسال مطلب، به علت تراکم مطالب متأسفانه چاپ مقاله شما در این شماره مقدور نگردید و به بعد موکول شد.

با قدرتی کمی نظیر ادامه پیدا کرده است. در یونان، شهر آتن شاهد برپایی چند تظاهرات ضد جنگ بود که در طی آن دهها هزار نفر از مردم به خیابان‌ها آمده و مخالفت خود را با جنگ امپریالیست‌ها به نمایش گذاشتند. گذشته از حضور وسیع جوانان، محصلین و دانشجویان در اغلب این تظاهرات، در کشورهای نظیر ایتالیا، اسپانیا و یونان شاهد حضور و اعتراض کارگران علیه این جنگ نیز بودیم. در این کشورها چندین بار، دهها هزار کارگر، مبارزه خود برای یک‌زندگی بهتر را با مبارزه علیه جنگ امپریالیست‌ها پیوند زدند و به این ترتیب اتحاد بین المللی کارگران به شکلی آشکار چهره نمود. روز ۲۹ مارس مجدداً تمامی شهرهای بزرگ اروپا شاهد همایش نیروهای مخالف جنگ بود. در آلمان مخالفان جنگ یک زنجیر انسانی به طول ۵۰ کیلومتر میان دو شهر تشکیل داده و تظاهرکنندگان در دیگر شهرها جاده‌ها را بستند و به اشکال مختلف مخالفت خود با این جنگ را به نمایش گذاشتند. در این روز چند شهر بزرگ آمریکا و آسیا نیز شاهد برپایی تظاهرات ضد جنگ بود.

امپریالیست‌ها به جنگ خود ادامه خواهند داد، اما میلیون‌ها انسان در سراسر جهان مصمم هستند که همبستگی خود با مردم زجر دیده عراق را حفظ کرده و از هر فرصتی برای ابراز انزجار خود از اقدامات تجاوز کارانه امپریالیست‌ها به خیابان‌ها بیایند. امپریالیست‌ها اشتباه می‌کنند اگر تصور کنند که جنبش ضد جنگ رو به خاموشی خواهد رفت. حضور میلیون‌ها انسان در صف مبارزه علیه جنگ، نشان از تغییر اوضاع به ضرر امپریالیست‌ها دارد. این بار جنبش ضد جنگ به همراه مردم ستم‌دیده عراق اجازه نخواهند داد که امپریالیست‌ها قلدرمنشانه زندگی میلیون‌ها انسان را تباہ کنند.

چرا شوراها

وقایع اخیر جهان و حمله وسیع آمریکا و انگلیس به عراق و اعتراضات شدید مردم در تمامی دنیا و مخصوصاً مردم کشورهای درگیر جنگ (آمریکا و انگلیس) و یاحامیان مستقیم - شان (اسپانیا و استرالیا) و بی توجهی سران این کشورها به این اعتراضات، بار دیگر عین و به طور برجسته‌ای چهره دروغین دموکراسی‌های بورژوازی را آشکار ساخت و نشان داد که این به اصطلاح دموکراسی‌ها تا چه اندازه به افکار عمومی رای دهندگان احترام می‌گذارند و همچنین تا چه اندازه‌ای انتخاب‌کنندگان بر اعمال نمایندگان انتخابی خود تاثیر گذارند.

به طور مثال در کشور انگلیس که به اصطلاح یکی از قدیمی ترین دموکراسی‌های بورژوازی است، دولت این کشور با وجود آن که بیش از ۷۰٪ از مردم این کشور آشکارا مخالفت خود را با جنگ با تظاهرات میلیونی خود به نمایش گذاشته بودند، بی‌اعتنا به این اعتراض وارد جنگ شد و حتا وزیر امور خارجی آن در مقابل این اعتراضات اعلام داشت که سیاست دولت در خیابان‌ها تصمیم‌گیری نمی‌شود و این دولت است که با تصویب پارلمان به اتخاذ سیاست در هر موردی می‌پردازد.

در پارلمان انگلیس نیز همگان به عین دیدند که این پارلمان نیز بدون هیچگونه توجه به این اعتراضات و حتا مخالفت شدید برخی از نمایندگان حزب خودنخست وزیر و با پشتیبانی حزب محافظه کار لایحه جنگ را به تصویب رسانید. و یا مثلاً کشور اسپانیا با وجود آن که بیش از ۹۰٪ اسپانیایی‌ها با این جنگ به مخالفت برخاسته اند (و حتا برطبق نظر خواهی اخیر اگر هم اکنون در این کشور انتخابات صورت گیرد، حزب حاکم شکست خواهد خورد) بدون اعتناء به این اعتراضات به پشتیبانی از حمله به عراق برخاسته است. این بی‌اعتنایی به افکار عمومی انتخاب‌کنندگان در مورد مسئله بسیار مهمی چون جنگ به خوبی محدودیت‌های دموکراسی بورژوازی را به نمایش می‌گذارد و نشان می‌دهد تا چه حد نمایندگان انتخابی مردم، پیش‌برندگان واقعی خواست‌های آنانند و چگونه این نمایندگان پس از انتخاب شدن، به رای انتخاب‌کنندگان گردن می‌گذارند و تا چه اندازه انتخاب‌کنندگان بر اعمال این منتخبین می‌توانند کنترل و نظارت نمایند.

در این نوع از دموکراسی نمایندگان حداقل به مدت ۴ سال انتخاب می‌گردند و در مدت این ۴ سال، انتخاب‌کنندگان هیچ گونه تاثیر و

نظارتی بر اعمال آنان نمی‌توانند داشته باشند و این مدت کافی است تا این نمایندگان با خدمت به سرمایه داران و اربابان نشان نوکری خود را به آنان اثبات نمایند تا پس از خاتمه دوران نمایندگی باز از کمک‌های مالی آنان برخوردار گردند و دوباره انتخاب شوند و یا به خاطر این خوش خدمتی مشاغل پردرآمدی گرفته و خود و خانواده خود را در مناصب پردرآمد جای دهند.

در این نوع از دموکراسی انتخاب‌کنندگان هیچ شناختی از کاندیداهای نمایندگی ندارند و فقط در دوران انتخابات بانام آنان آشنا می‌شوند و بنابراین کاندیداهایی که بیشترین بودجه را برای انتخابات خرج می‌نمایند، از شانس بیشتری برای انتخاب شدن برخوردارند. برطبق گزارش کنگره آمریکا، برای کاندیدا شدن نمایندگی در انتخابات آمریکا، هر کاندیدایی می‌بایست میلیون‌ها دلار صرف تبلیغات تلویزیونی، رادیویی، مطبوعاتی و... نماید که در این رابطه، یا کاندیدای انتخابات، خود این هزینه را از جیب متقبل می‌شود و یا این سرمایه‌گذاری را سرمایه‌گذاران دیگر بر روی او انجام می‌دهند، که در هر دو صورت این سرمایه‌گذاری می‌بایست که برای سرمایه‌گذار برگشت سرمایه را تضمین نماید. بنابراین، نمایندگان منتخب می‌بایست که بیشترین استفاده را از این سرمایه‌گذاری و در طول دوران نمایندگی به دست آورند. پس این جا دیگر آن چه در درجه اول اهمیت قرار دارد این برگشت سرمایه‌گذاری اولیه است و نه به پیش بردن خواست‌های انتخاب‌کنندگان.

فقط دموکراسی شوراهاست که می‌تواند، دموکراسی مستقیم توده‌ها باشد. در شوراها، نمایندگان، مستقیماً به وسیله مردم متشکل شده در شوراها، محلات، کارخانه‌ها، پادگان‌ها، و... و از بین خود آنها انتخاب می‌شوند، اینجا دیگر تبلیغات تلویزیونی و... کارایی خود را از دست خواهد داد. اینجا خود اعضای شورا و از میان خود به آنانی رای می‌دهند که خود از نزدیک با خصوصیات فکری و انسانی و مبارزاتی او آشنایی کامل یافته اند و از همه مهم تر در دموکراسی شورایی، نماینده منتخب، در هر لحظه قابل تعویض می‌باشد و به محض آن که انتخاب‌کنندگان اراده نمایند، می‌توانند نماینده خود را عزل کنند و به جای او نماینده دیگری را انتخاب نمایند. اینجا دیگر هر کسی به طور آزادانه می‌تواند انتخاب کند و یا انتخاب شود. این جا دیگر برسطه صفحه ۷

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه‌های خود را در دو نسخه جداگانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه‌هایتان را به یکی از آدرسهای زیر پست کنند.

آلمان
K. A. R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

اتریش
Kar
Postfach 260
1071, Wien
Austria

دانمارک
I. S. F
P. B. 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد
M. A. M
Postbox 1144
75141 Uppsala
Sweden

سوئیس
Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه
A. A. A
MBE 265
23, Rue Lecourbe
75015 Paris
France

کانادا
K.Z
P.O. BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7
Canada

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال نمایند

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره‌های فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹

۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱

۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaiian-minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

http://www.fedaiian-minority.org

KAR

Organization Of Fedaiian (Minority)

No.402 apr 2003

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی